

رشد شهرنشینی در کشورهای در حال رشد

نوشته

دکتر فریدون وحید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی
«گروه علوم اجتماعی»



پڙو، شڪاهه علوم انساني و مطالعات فرېنجي
پرئال جامع علوم انساني

شهرنشینی نزدیک به پنج هزار سال قبل از میلاد، یعنی پس از گذشت چند هزار سال از آغاز مرحله کشاورزی و هنگامی شروع شده است که در پی تحولاتی که در امر کشاورزی رخ داده است کشاورزان توانسته‌اند کمی بیش از نیاز سالانه خود مواد غذایی تولید کنند. در واقع دستیابی به مازاد تولید در کشاورزی نخستین شرط آغاز شهرنشینی بوده است، چه این مازاد اجازه می‌داده است، بخشی از جمعیت، بی‌آنکه به کشاورزی بپردازند تغذیه شوند و هم اینان بوده‌اند که رفته رفته اولین جوامع شهری را پدید آورده‌اند (۱). بدین ترتیب میان درجه تحول کشاورزی و در نتیجه میزان مازاد تولید مواد کشاورزی از یک سوی، و تعداد جمعیت شهرنشین از سوی دیگر، ارتباطی مستقیم برقرار است و به همین دلیل است که طی هزاران سال پس از آغاز زندگی شهرنشینی، بعلت کندی تحول در امر کشاورزی و عدم دستیابی به مازاد تولید قابل ملاحظه، بخش عظیم جمعیت کشورها، ساکن مناطق روستائی و دست‌اندر کار کشاورزی باقی ماند. این وضع تنها زمانی و در مناطقی که تحولی در کشاورزی صورت پذیرفت رو به دگرگونی گذاشت، تحولی که هم زمینه‌ساز شروع انقلاب صنعتی بود و هم همراه با این انقلاب و به برکت نوآوری‌های آن، خود شتاب بیشتری یافت. در واقع افزایش جمعیت شهرنشین در پی انقلاب صنعتی و نخست در کشورهای در حال صنعتی شدن آغاز شده است و این افزایش همراه با پدید آمدن ثمرات اجتماعی- اقتصادی این انقلاب بویژه از اوایل قرن نوزدهم شتاب گرفته است.

گسترش شهرنشینی در کشورهای صنعتی :

در سال ۱۳۰۰ میلادی تنها ۴/۱۰ درصد جمعیت کشورهای اروپائی در شهرهائی با بیش از پنج هزار نفر جمعیت زندگی می کرده‌اند. این نسبت در سال ۱۸۰۰ میلادی به ۱۲ درصد افزایش یافته است. همان گونه که ملاحظه میشود پنج قرن گذشته است تا ۱/۶ درصد بر جمعیت شهرنشین کشورهای صنعتی شده افزوده گردیده است و به احتمال زیاد بخش عمده این افزایش طی نخستین قرن پس از شروع انقلاب صنعتی یعنی در طول قرن هجدهم حاصل شده است.

از سال ۱۸۰۰ تا ۱۸۷۰ میلادی یعنی در طول هفتاد سال، نسبت شهرنشینی در این کشورها به ۲۵ درصد و پس از گذشت ۳۰ سال دیگر یعنی در ۱۹۰۰ میلادی به ۴۰ درصد می‌رسد.

نتیجه آنکه در کشورهای صنعتی شتاب رشد شهرنشینی پی آمد انقلاب صنعتی و استقرار فعالیت‌های صنعتی در شهرها بوده است. البته تحول وسائل و ابزار کشاورزی نیز که خود از دستاوردهای انقلاب صنعتی است و نیاز بخش کشاورزی را به نیروی انسانی کاهش می‌دهد، در جابجا کردن جمعیت از روستاها به شهرها موثر بوده است.

جابجائی هر گاه بدین گونه و در پی این علل، یعنی افزایش نیاز به نیروی انسانی در بخشی و کاهش نیاز به این نیرو در بخشی دیگر، صورت پذیرد، نه تنها نابسامانی را در امور اقتصادی - اجتماعی باعث نمی‌گردد بلکه برعکس، به تعادل توزیع جمعیت فعال بین بخش‌های مختلف کمک می‌کند.

هر گاه به چگونگی جابجائی جمعیت فعال، بین سه بخش کشاورزی، صنعت و خدمات در کشورهای صنعتی نظری بیفکنیم ملاحظه می‌کنیم که اگر قبل از رواج فعالیت‌های صنعتی قسمت عمده این جمعیت در بخش کشاورزی به کار مشغول بوده است، همراه با گسترش فعالیت‌های صنعتی و افزایش نیاز بخش صنعت به نیروی انسانی، رفته رفته بخش کشاورزی شماری قابل ملاحظه و فزاینده از جمعیت خود را به سود بخش صنعت از دست داده است. این جریان نه تنها از رواج و رونق کشاورزی نکاست، بلکه، با کاسته شدن شمار کشاورزان و به کار افتادن وسایل و ابزار پیشرفته بجای آنان، توان تولیدی و درآمد خانواده‌هائی که در این بخش باقی ماندند،

افزایش یافت و این خود مشوقی بود در ترویج و توسعه هر چه بیشتر کشاورزی. اندکی بعد با تحولاتی که بتدریج در تکنولوژی تولید رخ داد، نیاز بخش صنعت به نیروی انسانی نیز رو به کاهش گذاشت و قسمتی از جمعیت شاغل در این بخش به بخش خدمات روی آورد. بدین ترتیب از آنجا که فعالیتهای صنعتی و خدماتی بیشتر در شهرها صورت می‌پذیرد، در پی نقل و انتقالاتی که از بخش کشاورزی به دو بخش صنعت و خدمات صورت گرفت جمعیت روستاها رو به کاهش گذاشت و به همان نسبت بر جمعیت شهرها افزوده شد، بی‌آنکه در امر اشتغال نابسامانی یا بحرانی سخت پدید آید.

گسترش شهرنشینی در کشورهای غیر صنعتی :

توسعه شهرنشینی در کشورهای غیر صنعتی، عوامل و انگیزه‌هایی کاملاً متفاوت داشت. در این کشورها شتاب گرفتن آهنگ رشد جمعیت و افزایش انفجار گونه جمعیت از عوامل بسیار موثر در گسترش شهرنشینی و پدید آمدن شهرهای میلیونی است. در واقع تحولاتی که در قرون هجده و نوزده در امور بهداشتی و درمانی کشورهای صنعتی رخ داد و از میزان مرگ و میر در آن کشورها کاست، در سالهای پس از جنگ دوم جهانی، در بیشتر کشورهای غیر صنعتی به وقوع پیوست. توسعه خدمات بهداشتی و درمانی در این کشورها و گسترش این خدمات به مناطق روستایی، میزان مرگ و میر را به یکباره رو به کاهش برد. اگر در گذشته از هر ۱۰۰۰ نوزاد بیش از ۵۰۰ تن پیش از رسیدن به سن ازدواج می‌مردند و اگر فرزندان در سنین ۱۴ یا ۱۵ سالگی معمولاً پدر و مادر خود یا یکی از آنان را ازدست می‌دادند، از این پس شمار آنان که به سن ازدواج نمی‌رسند، بسیار اندک است و پر شمارند کسانی که در سنین پنجاه سالگی پدر یا مادر و گاه هر دو را در کنار خود دارند. همراه با کاهش میزان مرگ و میر، بر طول زندگی زناشویی نیز افزوده شد و این خود به معنای افزایش فرصتهای فرزند آوری است. بدین ترتیب هم از میزان مرگ و میر کاسته شد و هم بر عوامل و شرایط موثر در افزایش میزان زاد و ولد افزوده گشت (افزایش شمار کسانی که به سن ازدواج می‌رسند و نیز افزایش طول زندگی زناشویی) و در نتیجه جمعیت این کشورها حرکتی را در جهت رشد آغاز کرد که هنوز هم با سرعت تمام ادامه دارد، چه شرایط لازم برای کاهش آن پدید نیامده است. اجباری شدن تحصیلات که فرزند را برای

خانواده بصورت عضوی مصرف کننده درمی آورد، چه مبالغی را برای تحصیلات فرزندان به خانواده‌ها تحمیل می کند، توسعه بازار اشتغال که موجبات استخدام و اشتغال زن و شوهر را بیرون از منزل فراهم می سازد و در نتیجه فرصتهای فرزند پروری را کاهش می دهد و نیز ریشه کن کردن بیسوادی و اعتلای سطح آموزش مردم که آنان را بیشتر و بهتر به وظایف و مسئولیتهای خانوادگی متوجه می سازد، از جمله عوامل و شرایط موثر در مهار کردن رشد جمعیت بشمار می آیند. از آنجا که این شرایط چنانکه باید در کشورهای غیر صنعتی پدید نیامده و توجه دولتها به کنترل جمعیت نیز در بیشتر موارد به جایی نرسیده است، جمعیت اغلب این کشورها بی وقفه به رشد شتابان خود ادامه می دهد و این رشد معمولاً در مناطق روستائی بیش از شهرهاست. بیشتر روستاهای کشورهای غیر صنعتی، بویژه آنهایی که در مناطق خشک واقعند و توسط چشمه ها یا قنوات آبیاری می شوند، ظرفیتی محدود دارند و جمعیتی محدود و مشخص را می توانند در خود نگاه دارند و به کار گیرند. زمینهای زیر کشت این روستاها قابل گسترش نیستند، چه منابع آب آنها محدود است. دیگر کارهای اشتغال زانیز، مانند برخی از صنایع دستی، که گاه در مناطق روستائی رواج دارند از چنان ظرفیتی برخوردار نیستند که بتوانند جمعیت افزوده شده روستاها را به کار گیرند. نتیجه آن که در این کشورها، همراه با افزایش رشد جمعیت، مهاجرتی از مناطق روستائی به سوی شهرها آغاز گشت که با آنچه که در قرون هجده و نوزده در کشورهای صنعتی رخ داد، از جهاتی متفاوت است:

در کشورهای صنعتی همانگونه که ملاحظه شد، مهاجرت از روستاها به شهرها با افزایش تقاضای نیروی انسانی، نخست در بخش صنعت و سپس در بخش خدمات همزمان بود، حال آن که در کشورهای غیر صنعتی جمعیت افزوده شده و بیکار روستائی زادگاه خود را رها کرده راهی شهرها می شوند، بی آنکه تقاضای نیروی کار در شهرها افزایشی متناسب یافته باشد.

– در کشورهای صنعتی، مهاجرت روستائیان و در نتیجه توسعه شهرنشینی به کندی و در بستر زمانی گسترده صورت گرفت، در حالی که این حرکت در کشورهای غیر صنعتی بسیار سریع بود و این کشورها بخش اعظم راهی را که ممالک صنعتی طی چند قرن پیمودند، تنها در چنددهه طی کردند.

- در کشورهای صنعتی بخش اعظم جمعیتی که از روستاها به شهرها مهاجرت می‌کردند، به کارهایی مولد مشغول می‌شدند، در حالی که در کشورهای غیرصنعتی روستائینی که به شهرها می‌آیند غالباً بیکار می‌مانند یا مشاغل غیررسمی و بیشتر کم‌درآمد برای خود دست و پا می‌کنند که غیرمولد بوده و در واقع سرپوشی است بر بیکاری آنان.

- در کشورهای صنعتی با مهاجرت روستائیان به شهرها از جمعیت روستاها کاسته و بر جمعیت شهرها افزوده شد، در حالی که مهاجرت روستائیان کشورهای غیرصنعتی کاهش را در جمعیت روستائی باعث نمی‌شود. در این کشورها جمعیت‌های روستائی علیرغم مهاجرتی که در جریان است، بعلت بالا بودن میزان زادوولد، پیوسته روبه‌افزایش است.

- در کشورهای صنعتی ابعاد این مهاجرت کاهش بسیار یافته و در مواردی تقریباً متوقف شده است، ولی در کشورهای غیرصنعتی، مهاجرت در ابعادی فزاینده ادامه دارد و با توجه به تداوم رشد شتابان جمعیت و بالا بودن درصد کشاورزان این کشورها نسبت به کل جمعیت آنها فعلاً پایانی هم بر آن متصور نمی‌تواند بود.

پی آمد این تفاوت‌ها، نابسامانیها و دشواریهایی است که در بیشتر شهرهای بزرگ کشورهای غیرصنعتی به چشم می‌خورد: بیکاری و بیکارگی، گسترش زاغه‌نشینی و بی‌آمدهای ناگوار اجتماعی آن، ناتوانی شهرها در پاسخگویی به پاره‌ای از نیازهای اساسی، (آب آشامیدنی، برق، بهداشت،...) پدید آمدن پاره‌ای دشواریها و نارساییها (ترافیک، آلودگی محیط زیست) و غیره.

جمعیت روستائی و شهری کشورهای صنعتی و غیرصنعتی به میلیون نفر

سال	کشورهای صنعتی شهری			کشورهای غیرصنعتی شهری		
	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع	جمع
۱۹۵۰	۳۹۰	۴۴۰	۸۳۰	۱۳۸۰	۲۹۰	۱۶۷۰
۱۹۷۵	۳۴۰	۷۵۰	۱۰۹۰	۲۱۷۰	۸۱۰	۲۹۸۰
۲۰۰۰	۲۸۰	۹۹۰	۱۲۷۰	۲۸۹۰	۱۹۶۰	۴۸۵۰
۲۰۲۵	۲۰۰	۱۱۹۰	۱۳۹۰	۲۸۶۰	۳۹۱۰	۶۷۷۰

در جدول فوق از آنچه که برای دهه‌های آینده پیش‌بینی شده است، فعلاً صرف‌نظر می‌کنیم و تنها به مقایسه تغییرات جمعیت‌های شهری و روستائی در کشورهای صنعتی و غیرصنعتی طی ۲۵ سال، فاصله‌سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵، می‌پردازیم. همانگونه که ملاحظه می‌شود در این فاصله از جمعیت روستائی کشورهای صنعتی ۵۰ میلیون نفر کاسته شده و بر جمعیت شهری آنها ۳۱۰ میلیون نفر افزوده شده است. افزایش جمعیت کل آنها برابر ۲۶۰ میلیون نفر بوده است. در مقابل، در کشورهای غیرصنعتی، هم بر جمعیت روستائی افزوده شده است و هم بر جمعیت شهری. طی این ۲۵ سال بر جمعیت روستائی این کشورها ۷۹۰ میلیون نفر، بر جمعیت شهری آنها ۵۲۰ میلیون نفر و بر جمعیت کل آنها ۱۳۱۰ میلیون نفر افزوده شده است.

در سال ۱۹۵۰ نرخ شهرنشینی در آسیا ۱۴٪ و در آمریکای لاتین ۴۰٪ بوده است. اینک ۲۶٪ جمعیت آسیا و ۶۴٪ جمعیت آمریکای لاتین شهرنشین است و این بدان معناست که هنوز ۷۴٪ جمعیت آسیا و ۳۶٪ جمعیت آمریکای لاتین روستائی است. به عبارت دیگر روستاهای کشورهای آسیا و آمریکای لاتین (و البته افریقا نیز) هنوز می‌توانند، توده‌هایی انبوه از جمعیت خود را راهی شهرها کنند. هرگاه برای آینده این کشورها ۲۰٪ کل جمعیت را برای مناطق روستایی در نظر بگیریم، به این نتیجه می‌رسیم که طی دهه‌های آینده، کشورهای آسیایی ۵۰٪ و کشورهای آمریکای لاتین ۱۶٪ دیگر از جمعیت خود را باید روانه شهرها سازند. جمعیتی که جابجایی آن، با توجه به عظمت ابعادش، پدیده‌ای بی‌سابقه در تاریخ بشریت خواهد بود و البته این اتفاقی است که از این پس قسمت اعظم آن در کشورهای غیرصنعتی رخ خواهد داد، چه روستاهای کشورهای صنعتی از این پس جمعیتی قابل ملاحظه برای روانه ساختن به شهرها در اختیار ندارند و رشد جمعیت کل آنها نیز اگر آهنگی منفی به خود نگرفته باشد به حال حایز اهمیت نیست.

ده شهر بزرگ دنیا و تحول جمعیت آنها در فاصله ۱۹۷۰-۲۰۰۰

ردیف	۱۹۷۰	۱۹۸۵	۲۰۰۰
۱	نیویورک ۱۶۳۰۰۰۰۰	مکزیکو ۱۸۱۰۰۰۰۰	مکزیکو ۲۶۳۰۰۰۰۰
۲	توکیو ۱۴۹۰۰۰۰۰	توکیو ۱۷۲۰۰۰۰۰	سائوپولو ۲۴۰۰۰۰۰۰
۳	شانگهای ۱۱۴۰۰۰۰۰	سائوپولو ۱۵۹۰۰۰۰۰	توکیو ۱۷۱۰۰۰۰۰
۴	لندن ۱۰۶۰۰۰۰۰	نیویورک ۱۵۳۰۰۰۰۰	کلکته ۱۶۶۰۰۰۰۰
۵	منطقه راین روهر ۹۳۰۰۰۰۰	شانگهای ۱۱۸۰۰۰۰۰	بمبئی ۱۶۰۰۰۰۰۰
۶	مکزیکو ۹۲۰۰۰۰۰	کلکته ۱۱۰۰۰۰۰۰	نیویورک ۱۵۵۰۰۰۰۰
۷	بوئنس آیرس ۸۵۰۰۰۰۰	بوئنس آیرس ۱۰۹۰۰۰۰۰	سئول ۱۳۵۰۰۰۰۰
۸	لوس آنجلس ۸۴۰۰۰۰۰	ریودوژانیرو ۱۰۴۰۰۰۰۰	شانگهای ۱۳۵۰۰۰۰۰
۹	پاریس ۸۳۰۰۰۰۰	سئول ۱۰۲۰۰۰۰۰	ریودوژانیرو ۱۳۳۰۰۰۰۰
۱۰	پکن ۸۳۰۰۰۰۰	بمبئی ۱۰۱۰۰۰۰۰	دهلی ۱۳۳۰۰۰۰۰

در این جدول چند نکته مهم جلب توجه می کند:

- پر جمعیت ترین شهر جهان در سال ۱۹۷۰ متعلق به جهان صنعتی و در سالهای ۱۹۸۵ و ۲۰۰۰ متعلق به جهان غیر صنعتی است.

- در سال ۱۹۷۰ تنها چهار شهر، ولی در سال ۲۰۰۰، هشت شهر جهان غیر صنعتی در جمع ده شهر بزرگ جهان که - پر جمعیت ترین شهرها هستند - قرار دارند.

- پر جمعیت ترین شهر سال ۲۰۰۰، ده میلیون نفر بیش از پر جمعیت ترین شهر سال ۱۹۷۰ سکنه دارد.

- ساکنان دهمین شهر پر جمعیت دنیا در سال ۲۰۰۰، پنج میلیون نفر بیش از ساکنان دهمین شهر در سال ۱۹۷۰ هستند.

- جمعیت ده شهر پر جمعیت سال ۲۰۰۰، ۶۳/۹۰۰/۰۰۰/، بزرگ سال ۱۹۷۰ است.

بر اساس پیش‌بینی سازمان ملل متحد در حوالی سال ۲۰۲۵ میلادی، تعداد شهرهائی که جمعیتی بیش از ۵ میلیون نفر خواهند داشت به ۹۳ خواهد رسید. بیشترین تعداد این شهرها (۸۰ شهر) و پرجمعیت‌ترین آنها متعلق به کشورهای غیرصنعتی خواهند بود. برای شهرهائی چون داکا، شانگهای، جاکارتا، کلکته، بمبئی، کراچی، دهلی، قاهره، لاگوس و ساو پولو، ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر و برای شهرهائی مانند ریود و ژانیرو، کینشازا، نایروبی، استانبول، بغداد، پکن و بانکوک ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر جمعیت پیش‌بینی می‌شود. جمعیت مکزیکو که هم‌اکنون از مرز ۲۰ میلیون نفر فراتر رفته است، طبق این پیش‌بینی به حدود ۳۰ میلیون نفر خواهد رسید (۳). همچنین طبق این پیش‌بینی، جمعیت تهران در سال ۲۰۲۵ (یعنی حدود ۳۵ سال) دیگر به ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر افزایش خواهد یافت. اگر جمعیت کنونی تهران را حدود ۸ میلیون نفر در نظر بگیریم و فرض کنیم که در آهنگ رشد آن که در دههٔ اخیر حدود ۲/۹ درصد (کمتر از رشد جمعیت کل کشور) بوده است، تغییر قابل ملاحظه‌ای رخ ندهد، آهنگ رشدی که جمعیت را هر ۲۵ سال یکبار به دو برابر افزایش می‌دهد، با محاسبه‌ای ساده به این نتیجه خواهیم رسید که در سال ۲۰۲۵ جمعیت تهران نه فقط بدون شك به حد پیش‌بینی شده خواهد رسید بلکه در صورتی که سیاستهائی مناسب پیش گرفته نشود، به احتمال زیاد بسیار از آن حد فراتر خواهد رفت (۴). البته این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که اگر شهر تهران به علل گوناگون مهاجرپذیری خود را کم و بیش از دست داده است، در برابر، شهرها و روستاهای پیرامون آن به مقدار قابل ملاحظه‌ای بر مهاجرپذیری خود افزوده‌اند و بیشتر جمعیت‌هائی را در خود جای می‌دهند که محل اشتغالشان در تهران است و در نتیجه روز را در این شهر می‌گذرانند. با توجه به بالا بودن نرخ مهاجرپذیری برخی از این مراکز (نرخ مهاجرپذیری کرج بعنوان مثال ۶/۱٪ است)، سرعت توسعهٔ افقی تهران و مراکز تجمع پیرامونی و فواصل نسبتاً اندکی که بعضی از این مراکز را از تهران جدا می‌سازد، پیوستن تعدادی از این مراکز تا سال ۲۰۲۵ به تهران بعید به نظر نمی‌رسد. در این صورت تهران و جمعیت آن ابعادی متفاوت با آنچه که پیش‌بینی شده است، خواهد داشت.

دشواربها:

گسترش شتابنده شهرنشینی در کشورهای غیرصنعتی بدون تردید با دشواریهای بزرگ و نگران کننده برای مسئولان و ساکنان شهرهای بزرگ این کشورها همراه خواهد بود.

وقتی توجه شود که هرروز ۲۰۰۰ نفر بر جمعیت مکزیکو و هرماه ۴۰۰۰۰ نفر بر جمعیت قاهره افزوده می شود و جمعیت ایبجان طی بیست سال به ۱۰۰ برابر و جمعیت تهران طی بیست سال (۱۹۶۰ - ۱۹۸۰) به ده برابر افزایش یافته است، دشواریهای سالم سازی زندگی و فضای زندگی در این شهرها و پاسخگویی به نیازهای اساسی ساکنان بهتر آشکار می گردد. از دشواریها و نارسایی های متعدد تنها به چند مورد اشاره می کنیم.

امنیت ساکنان:

مردم در محیط زندگی و محل سکونت خود نیاز به امنیت دارند. وجود این امنیت را باید احساس کنند و یا دست کم نباید پیوسته احساس ناامنی داشته باشند. در مراکز کوچک تجمع مانند روستاها و شهرهای کوچک امن کم دن محیط آسان است. همه مردم با اغلب با یکدیگر آشنا هستند و بر حال یکدیگر آگاه. بیگانه ماندن اگر غیر ممکن نباشد حداقل دشوار است و به همین دلیل در این گونه مراکز نوعی نظارت اجتماعی خود به خود و غیررسمی بر ساکنان اعمال می گردد که در به هنجار کردن رفتارها و روابط آنان موثر است و همین وضع به امنیت محیط کمک می کند. برعکس در شهرهای بزرگ نظارت غیررسمی کار آیی خود را از دست می دهد، چه مردم با هم بیگانه اند و برعکس محیط های کوچک چشمانی آشنا مراقب اعمال و رفتار و روابط آنان نیست. حتی کم نیستند کسانی که برای فارغ ماندن از نظارت غیررسمی سعی در بیگانه ماندن دارند و مثلاً با آنکه سالهاست با خانواده هایی همسایه اند، اما هرگز خانه هم را ندیده اند. در چنین محیط هایی کار نظارت و کنترل به عهده دستگاههای رسمی است و البته نظارت رسمی نمی تواند کار آیی و عمق تأثیر نظارت غیررسمی را داشته باشد. هر اندازه ابعاد شهر و جمعیت آن وسیع تر باشد، کار آیی این نظارت محدودتر می شود. دو چهره بودن شهرهای میلیونی جهان سوم، یعنی وجود حلی آبادها و رواج زاغه نشینی در کنار آسمانخراشها و زندگی پر زرق و برق صاحبان مال و مکت از ویژگیهای چشمگیر این شهرهاست. محله های فقیرنشین و حلی آبادها

بخشی قابل ملاحظه از جمعیت این شهرها را در خود جای می‌دهند و گاه جمعیت این محله‌ها از جمعیت دیگر محله‌های شهر بسیار فراتر می‌رود (در کازابلانکا، ۷۰ درصد و در آدیسا‌بابا، ۹۰ درصد جمعیت ساکن محله‌های فقیرنشین هستند). کارآیی دستگاه‌های رسمی نظارت در این محله‌ها باز هم کاهش می‌یابد و گاه به صفر می‌رسد و همراه با این کاهش بزه‌کاری‌ها و انحرافات به میزانی قابل ملاحظه افزایش می‌یابند. در چنین شهرهایی ساکنان این محله‌ها نه تنها خود امنیتی ندارند، بلکه امنیت ساکنان دیگر محله‌ها را هم به خطر می‌اندازند یا دست کم آنان را نگران امنیت خود می‌سازند.

آب آشامیدنی:

تأمین آب آشامیدنی سالم برای ساکنان شهرهای پرجمعیت از دشواریهای بزرگ و گاه حل‌ناشدنی است. بسیاری از شهرهای میلیونی کشورهای غیرصنعتی با کمبود آب آشامیدنی روبرو هستند. در شهرهایی هم که اقداماتی در جهت پاسخگویی به این نیاز حیاتی صورت گرفته است، رشد شتابان جمعیت آنها و در نتیجه افزایش سریع مصرف مانع از آن شده است که امکانات فراهم شده پاسخگوی نیاز فزاینده باشد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۵ شرکتی فرانسوی برای تأمین آب آشامیدنی ساکنان بمبئی به احداث کارخانه‌ای در این شهر اقدام کرد که قادر بود روزانه دومیلیون متر مکعب آب تصفیه کند. این کارخانه پس از گذشت سیزده سال یعنی در سال ۱۹۸۸ می‌توانست روزانه تنها به مدت دوونیم ساعت آب در اختیار ساکنان قرار دهد (۵). نزدیک به نیمی از جمعیت بوئنس آیرس (جمعیت شهر در حدود ۱۱ میلیون نفر است) از آب آشامیدنی سالم محروم است و بسیاری از ساکنان این شهر، بشکه‌ای بر بام منزل خود گذاشته از آب بارانی که در آن جمع می‌شود استفاده می‌کنند. بخش قابل ملاحظه‌ای از جمعیت شهرهای بزرگ، بویژه آنان که درآمدی اندک دارند با این دشواری روبرو هستند. در شهرهایی چون لیما، ابیجان و مکزیکو به عنوان مثال، کمبود آب آشامیدنی از جمله مسائل بزرگ مردم به حساب می‌آید. قطع آب در ساعاتی از روز و فراخوانی مردم توسط مسئولان شهری به صرفه‌جویی در مصرف آن بیانگر وجود این واقعیت است.

ترافیک:

مشکل ترافیک در شهرهای پرجمعیت کشورهای جهان سوم دو چهره متفاوت دارد. در برخی از این شهرها به سبب کمبود امکانات حمل و نقل شهری و عدم تناسب آنها با جمعیت فزاینده، دشواری ناشی از عدم توانایی این امکانات در پاسخگوئی به نیاز کسانی است که از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده می‌کنند. شهرهایی چون قاهره، مکزیکو، بمبئی و بانکوک به عنوان مثال، بویژه با این دشواری روبرو هستند. در برخی دیگر از شهرهای پرجمعیت، دشواری ناشی از انبوه اتومبیلهای شخصی است که بی آنکه از بار سنگین وسائط نقلیه عمومی به میزانی قابل ملاحظه بکاهند، خود مشکلات و ضایعاتی فراوان را سبب می‌شوند. ایجاد راهبند آنها که باعث اتلاف میلیونها ساعت وقت می‌گردد، تصادفات و تصادمات که سالانه باعث تلفات و خسارات جانی و مالی زیاد در شهرها می‌شود، آلوده‌سازی محیط چه به سبب دودزا بودن وسائط نقلیه و چه در نتیجه سر و صدای موتورها و بوق‌زدنهای مکرر، جزئی ناچیز از این مشکلات و ضایعات به حساب می‌آیند.

آلودگیهای محیطی:

این دشواری ناشی از عوامل و شرایطی گوناگون است. بیشتر شهرهای پرجمعیت جهان سوم فاقد امکانات کافی و صحیح برای جمع‌آوری فاضلابها (برای آن که زیاد هم دور نرفته باشیم می‌توانیم به شهرهای بزرگ کشور خودمان و از جمله به تهران نگاه کنیم) و زیاله‌های خود هستند. کم‌شمارند شهرهای بزرگ جهان سوم که از شبکه‌ای به کفایت گسترده از لوله‌کشی فاضلاب برخوردار باشند و در بیشتر شهرهایی که از این شبکه برخوردارند، بالا بودن بهای حق انشعاب مانع از آن می‌گردد که همه ساکنان بتوانند از آن استفاده کنند. در مانیل ۱۱ درصد، داکا ۱۸ درصد، کراچی ۱۹ درصد و در دهلی ۳۰ درصد از ساکنان از انشعاب فاضلاب استفاده می‌کنند (۶). حجم زیاد زیاله‌های شهری نیز در این گونه شهرها و ناتوانی مسئولان در گردآوری آنها، به گونه‌ای سریع و بهداشتی، به آلوده کردن محیط بویژه در فصول گرم سال کمک می‌کند. جایجا کردن هزارها تن زیاله در روز، دور کردن آنها از شهرها و از میان بردن یا دفن کردن آنها به گونه‌ای که بهداشت محیط را به خطر نیندازد، کارست سنگین و مبالغی را

طلب می‌کند که تحمل آن برای بسیاری از شهرهای جهان سوم مقدور نیست. مسأله آلودگی هوا که بویژه ناشی از دودزایی وسائط نقلیه و استفاده کارخانه‌ها و وسائط گرم‌آزای خانگی از مواد سوختی نامناسب است، نیز نباید از نظر دور نگاه داشته شود. درست است که این مشکل تنها ویژه شهرهای بزرگ جهان سوم نیست و شهرهایی چون آتن، توکیو و لوس‌آنجلس اغلب اوقات دارای هوایی بسیار آلوده هستند ولی آلودگی شهر تهران گاه به چندبرابر میزان قابل قبول می‌رسد و گاه نیز این آلودگی به اندازه‌ای است که تهران در میان شهرهای بزرگ جهان مقام نخست را کسب می‌کند؛ و یا در مکزیکو به عنوان مثال، آلودگی هوا به مراتب از آلودگی آتن یا لوس‌آنجلس فراتر می‌رود، در حدی که سالانه مرگ نزدیک به ۱۰۰۰۰ نفر از ساکنان خود را سبب می‌گردد. از این گذشته واقعیت نگران‌کننده آنست که در کشورهای صنعتی برای جلوگیری از افزایش آلودگی و کاهش تدریجی آن تدابیری می‌اندیشند، در حالی که در بیشتر کشورهای غیرصنعتی هنوز این دشواری و راههای حل منطقی آن چنانکه باید مورد توجه واقع نشده است.

برای جلوگیری از توسعه غیرمنطقی شهرهای بزرگ در جهان سوم چه باید کرد؟
کنترل جمعیت و ایجاد اشتغال در مناطق روستایی:

همانگونه که از این پیش ملاحظه شد، شتابگیری آهنگ رشد جمعیت در کشورهای غیرصنعتی، بویژه در مناطق روستایی آنها و ناتوانی روستاها در نگاهداری و به کارگیری جمعیت افزوده شده خود از عوامل موثر در پدید آمدن شهرهای میلیونی این کشورها است. بنابراین، کاهش آهنگ رشد جمعیت و کنترل آن در سطحی منطقی از یک سو و افزایش امکانات اشتغال در مناطق روستایی از سوی دیگر، می‌تواند در جلوگیری از افزایش بی‌رویه جمعیت شهرها کارآمد باشد. بردن مهارتهایی به روستاها، متناسب با طبیعت و استعداد هر منطقه، برای بکارگرفتن نیروی انسانی مازاد بخش کشاورزی از جمله اقداماتی است که باید صورت گیرد. برای این منظور البته لازم است مهارتهایی به روستاها برده شود که محصولات آنها روستا را ترک کرده راهی شهرها گردند نه خود صاحبان مهارتها.

توزیع خدمات:

بیشتر مناطق روستائی از برخی از خدمات اساسی که در شهرها ارائه می‌گردد یا کاملاً محرومند و یا چنانکه باید بهره‌مند نیستند. بویژه خدمات بهداشتی و درمانی در روستاها چنانکه باید عرضه نمی‌شود و از این نظر تفاوتی چشمگیر میان روستا و شهر وجود دارد. کاستن از این فاصله روستائیان را به ماندن در روستا تشویق کرده از حجم مهاجرت آنان به سوی شهرها می‌کاهد.

کاهش فاصله درآمدهای شهری و روستائی:

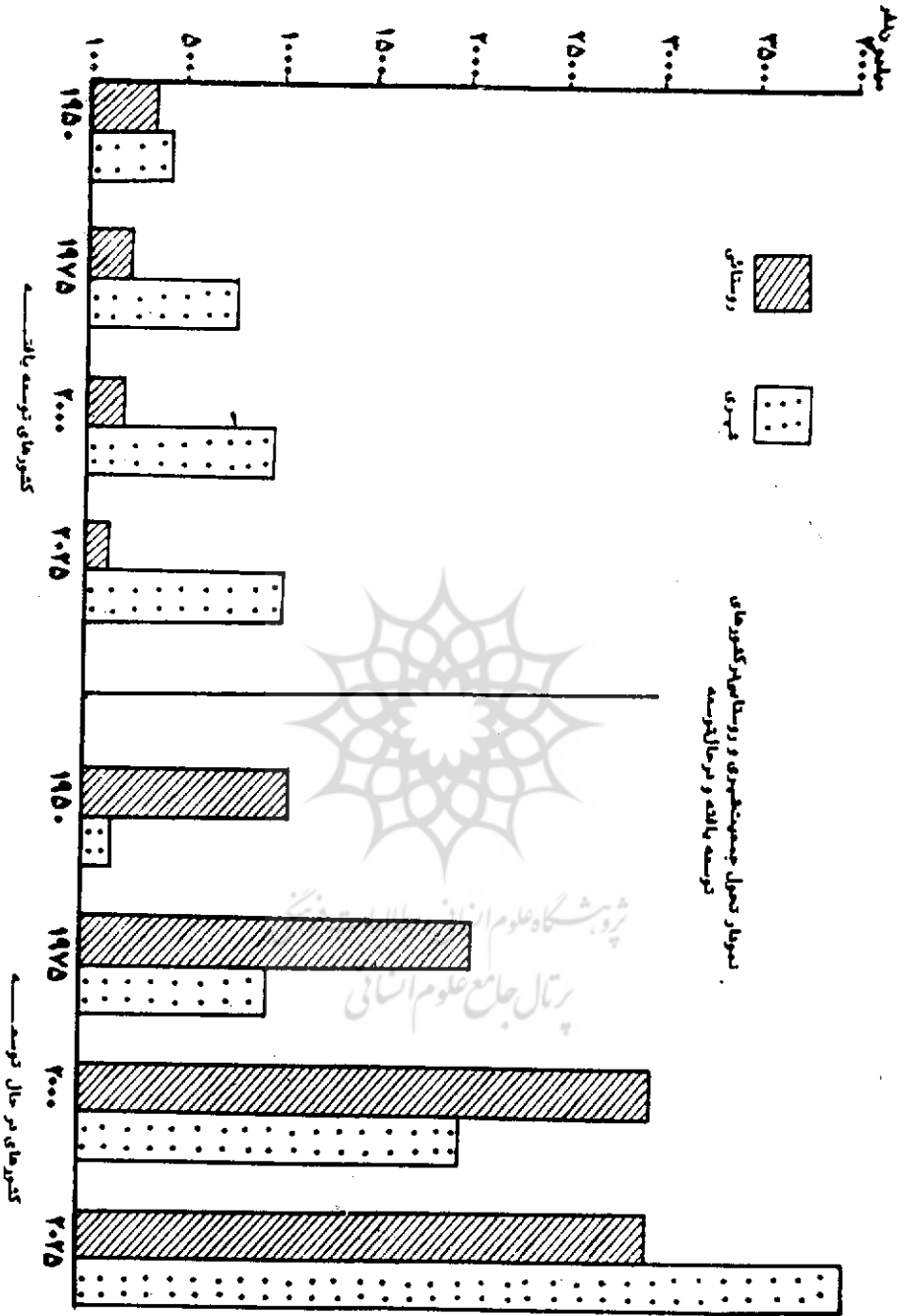
در کشورهای غیر صنعتی میان درآمدهای مشاغل روستائی و شهری، فاصله‌ای نسبتاً زیاد وجود دارد. روستائیان معمولاً توسط واسطه‌های شهری استثمار می‌شوند. میان مبلغی که تولیدکننده روستائی به عنوان بهای محصول خود دریافت می‌دارد و مبلغی که مصرف‌کننده شهری در برابر خرید آن محصول می‌پردازد، تفاوت زیاد است و این تفاوت در واقع همان مبلغی است که دو یا سه نفر دلال و واسطه که معمولاً شهری هستند، هر یک تنها در برابر چند ساعت کار به خود اختصاص داده‌اند. سهم ناچیز تولیدکننده روستائی از این مبلغ پاداش اوست برای چندماه فعالیت. پاره‌ای از مشاغل غیر رسمی شهری گرچه بسیار کم‌اهمیت به نظر می‌رسند ولی درآمدهائی را نصیب صاحبان خود می‌کنند که دسترسی به آنها در روستاها برای بسیاری از روستائیان غیر مقدور است، روستائیان که در زادگاه خود با کم‌کاری یا بیکاری دائم روبرو هستند و در نتیجه درآمدی کافی حتی برای یک زندگی بسیار ساده روستائی ندارند. فواصل موجود میان درآمد مشاغل شهری و روستائی از جمله عوامل موثر در کشاندن روستائیان به سوی شهرهاست. تا زمانی که این فواصل وجود دارند و امید روستائیان به کسب درآمد در شهر به میزانی قابل ملاحظه بیش از درآمدی است که در روستا نصیب آنان می‌گردد کوشش در جهت مهار کردن امواج مهاجرت راه به جائی نخواهد برد (۷).

البته توجه به شهرهای درجه دوم و سوم در کشورهای غیر صنعتی و ایجاد شهرکهای در اطراف شهرهای بزرگ و نیز در مناطق روستائی از دیگر اقداماتی است که می‌تواند در جلوگیری از پدید آمدن و رشد بی‌رویه شهرهای میلیونی موثر افتد. به‌ر حال کشورها

می‌توانند متناسب با اوضاع و شرایط و نیز امکانات خود اقداماتی را به منظور کاهش امواج مهاجرت به سوی شهرهای میلیونی بویژه پایتخت‌ها مورد توجه قرار دهند و از افزایش باز هم بیشتر جمعیت و در نتیجه دشواریهای این شهرها تا حدودی جلوگیری کنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



یادداشتها

- (۱) پدید آمدن نخستین شهرها و تمدن در مناطقی چون کناره‌های نیل و بین‌النهرین که از استمدادی استثنائی برای کشاورزی برخوردار بودند، دلیلی است آشکار بر وجود رابطه‌ای مستقیم، انکارناپذیر میان رونق کشاورزی با شهرنشینی.
- (۲) این جدول با تفسیری اندک از صفحه ۱۵ مجله *L, express Aujourd'hui* شماره ۱۶ مربوط به ماههای مارس و آوریل ۱۹۸۸ گرفته شده است.
- (۳) دربارهٔ جمعیت شهر مکزیکو در سال ۲۰۲۵ در منابع مختلف تفاوتی وجود دارد. در برخی منابع برای سال ۲۰۰۰ جمعیتی معادل ۳۰ میلیون نفر برای این شهر پیش‌بینی می‌کنند در حالی که در منابعی دیگر این جمعیت برای سال ۲۰۲۵ پیش‌بینی شده است. با توجه به آهنگ رشد کثرتی جمعیت مکزیکو و جمعیت فعلی آن، جمعیت حدود ۳۰ میلیون نفر برای سال ۲۰۲۵ قابل قبولتر به نظر می‌رسد.
- (۴) جمعیت تهران طی ۳۰ سال (۱۳۳۵-۱۳۶۵) از ۱۵۶۰۹۳۴ نفر به ۶۰۴۴۵۸۴ نفر افزایش یافته است. میانگین رشد جمعیت طی این مدت ۴/۶ درصد بوده است. در صورتی که این میانگین رشد در سال‌های آینده برقرار بماند، جمعیت تهران در حوالی سال ۲۰۰۰ میلادی ۱۱۳۴۱۳۹۰ و در ۲۰۲۵ بسیار بیش از رقم پیش‌بینی شده یعنی ۳۴۹۱۰۶۸۷ نفر خواهد بود.
- (۵) *L, express Aujourd'hui*، شماره ۱۶، ماههای مارس و آوریل ۱۹۸۸ ص ۲۷
- (۶) هاری ریچاردسون، اسطورهٔ کلان شهرها (مقاله) ترجمهٔ کمال اطهاری، اطلاعات سیاسی-اقتصادی سال پنجم، شماره‌های چهارم و پنجم، بهمن و اسفند ۶۹.
- (۷) مایکل تو دارو، توسعهٔ اقتصادی در جهان سوم (جلد اول)، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، ناشر وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۴، ص ۳۹۳.

منابع

- ۱- وینسنت فرانسیس کاستللو، شهرنشینی در خاورمیانه، ترجمه پرویز پیران- عبدالملی رضایی، نشر نی، تهران: ۱۳۶۸.
- ۲- فرخ حسامیان، گیتی اعتمادی، محمدرضا حائری، شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، تهران: ۱۳۶۳.
- ۳- دکتر حسین شکویی، جغرافیای اجتماعی شهرها، انتشارات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، تهران: ۱۳۶۵.
- ۴- دکتر حسین شکویی، محیط زیست شهری، تبریز: ۵۸.
- ۵- حبیب‌الله زنجانی- فریدون رحمانی، راهنمای خمیت شهرهای ایران ۱۳۳۵- ۱۳۷۰، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران: ۱۳۶۸.
- ۶- مایکل تودارو، توسعه اقتصادی در جهان سوم، جلد اول، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، ناشر، وزارت برنامه و بودجه، تهران: ۱۳۶۶.
- ۷- مقالات اولین سینار فرهنگ و ترافیک، دانشگاه اصفهان: ۱۳۶۶.
- ۸- پل هرسون، درون جهان سوم، ترجمه شاداب وجدی، انتشارات فاطمی، تهران: ۱۳۶۴.
- ۹- پل بروک، جهان سوم در بزبست، ترجمه امیرحسین جهاننگلو، انتشارات خوارزمی، تهران: ۱۳۵۳.
- ۱۰- حسین ادیبی، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شهری، انتشارات شبگیر، تهران: ۱۳۵۶.
- ۱۱- ماهنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال پنجم، شماره‌های چهارم و پنجم، بهمن و اسفند ۱۳۶۶.



پڙو، شڪاهه علوم انساني و مطالعات فرېنجي
پرئال جامع علوم انساني